بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 5 دی 1396.

خب روایت هایی که تنجیز علم اجمالی و لزوم موافقت قطعیه را در موارد خاصه از آن برداشت می شد را صحبت می کردیم. یکی از روایت ها، روایت علی بن مهزیار هست.

قال: قرأت في كتاب عبد اللَّه بن محمّد إلى أبي الحسن عليه السّلام: جعلت فداك روى زرارة عن أبي جعفر عليه السّلام و أبي عبد اللَّه عليه السّلام في الخمر يصيب ثوب الرجل أنّهما قالا: لا بأس بأن تصلّي فيه إنّما حرّم شربها، و روى غير زرارة عن أبي عبد اللَّه عليه السّلام أنّه قال: إذا أصاب‏ ثوبك‏ خمر أو نبيذ يعني المسكر فاغسله إن عرفت موضعه، و إن لم تعرف موضعه فاغسله كلّه، و إن صلّيت فيه فأعد صلاتك،

این دقیقا همان مرسله یونس هست فقط آنجا دارد نبیذ مسکر اینجا دارد نبیذ یعنی المسکر. به هر حال نقل به معنایش نبیذ مسکر می تواند باشد. و الا عین همان است

فأعلمني ما آخذ به؟ فوقّع عليه السّلام بخطّه و قرأته: «خذ بقول أبي عبد اللَّه عليه السّلام».

که گفته اند تا روایت را عبد الله بن محمد در مکاتبه اش ذکر می کند یک روایت مشترکی بین ابی جعفر و ابی عبد الله است و یک روایت مختص ابی عبد الله است. امام علیه السلام روایت مختص ابی عبد الله علیه السلام را گفته است به این اخذ کن و آن را حجت قرار بده. بنابراین آن روایتی که در این ضمن ذکر شده است از غیر زراره با توجه به کلام امام علیه السلام آن حجت شده است. بنابراین آن روایت یونس هم که در واقع در ضمن این روایت علی بن مهزیار به او اشاره شده است با توجه به روایت علی بن مهزیار حجیت پیدا می کند. خب این این مطلب البته خب یک بحث هایی در مورد اینکه آیا مسئله خمر چیز هست و اینها آنها بحث هایی هست که در جای خودش باید به آن پرداخته شود. 1564 اینجا یک مقداری عبارتی که در جامع الاحادیث هست، 1564 باب 17 از ابواب نجاسات حدیث 7 است. یک مقداری در خب می گوید یک روایتی را از قرب الاسناد نقل کرده است بعد از وسائل هم همان روایت را از علی بن جعفر در کتابش نقل کرده است. این در رقم قبلی است. این رقم می گوید وسائل و فیه عنه. این وسائل یعنی همان وسائلی که در ذیل روایت قبلی به آن اشاره کرده بود. یعنی این هم مال کتاب علی بن جعفر است. در کتاب علی بن جعفر این طوری نقل شده است.

سؤال:

پاسخ: کتاب وسائل از مسائل علی بن ابی جعفر نقل می کند

و فيه عنه قال:

سألته عن الرجل يعرق‏ في‏ الثوب‏ و يعلم أن فيه جنابة كيف يصنع؟

جنابته یعنی منیّا

هل يصلح له أن يصلي قبل أن يغسل؟ قال: إذا علم أنه إذا عرق أصاب جسده من ذلك الجنابة التي في الثوب فليغسل ما أصاب جسده من ذلك‏

می گوید که باید علم داشته باشد که این عرق منشأ نجاست می شود.

سؤال:

پاسخ: می خواهد نماز بخواند.

سؤال:

پاسخ: نه در آن لباس نمی خواهد نماز بخواند.

خب بحث همان بدنش هست نجاست بدن هست.

و إن علم أنه قد أصاب جسده و لم يعرف مكانه فليغسل جسده كله.

آن ذیل روایت مورد بحث است. این لم یعرق مکانه دارد لم یعرق مکانه باید باشد. من مراجعه نکردم به خود مسائل.

سؤال:

پاسخ: نه دیگر لم یعرف مکانه مکانش را نمی داند. ان علم انّه می داند که به بدنش اصابت کرده است ولی نمی داند که مکانش کجاست. می گوید باید کل جسد را بشورد.

خب این مسائل علی بن جعفر خب یک بحث سندی دارد اجمالا که ما مسائل علی بن جعفر برایمان اثبات نشده است که اصلا این روایت

علی بن جعفر کتابی داشته است به نام مسائل علی بن جعفر. این کتاب که دو جور تحریر هم داشته است. یک تحریر مورق و یک تحریر غیر مورق در کتاب های رجالی ما به آن اشاره شده است و از آن نقل شده است. در قرب الاسناد هم از آن کتاب نقلیاتی هست. در کافی، تهذیب، جاهای دیگر در لا به لای اینها از کتاب علی بن جعفر نقلیات زیاد است. نقلیاتی که در این کتاب ها هست معتبر است. ولی یک چیزی به نام مسائل علی بن جعفر وارد شده است که آغازش هم یک سند هایی ذکر کرده است که خیلی سند مجهول و مشوشی است و افراد بسیار ناشناخته ای در اسناد این کتاب واقع هستند که هیچ معلوم نیست

این احتمال را حاج آقا می دادند که اصلا جمع آوری شده باشد. مثلابعضی ها از این طرف آن طرف روایت های علی بن جعفر را که دیده اند جمع کرده باشند و یک مجموعه ای فراهم کرده باشند. رابطه اش بین

حاج اقا می فرمودند که در این مسائل علی بن جعفر دقیقا به همان تعدادی که در خود مسائل علی بن جعفر هست از غیر مسائل علی بن جعفر یعنی از قرب الاسناد و اینها نقلیات به عنوان مستدرک ذکر کرده است یعنی به اندازه خود همین مسائل علی بن جعفر در کتاب های دیگر از علی بن جعفر نقلیات وجود دارد و اینها حالا اینکه خیلی روشن نیست که

سؤال:

پاسخ: نه آنها اضافاتش را آورده اند.

نه نه در مسائل علی بن جعفر را آل البیت چاپ کرده است. هر چه روایت از علی بن جعفر که در این مسائل نبوده است از جاهای دیگر اضافه کرده است. حالا فرض کنید که آن قسمت هایی که در خود مسائل علی بن جعفر هم هست خود آنها آدرس داده است خود آنها ممکن است در کتاب های کافی و تهذیب و اینها هم نقل شده باشد. یعنی نقلیاتی که از علی بن جعفر از سایر کتاب ها هست و در این کتاب نیامده است به اندازه نقلیات این کتاب است. این استک ه خیلی روشن نیست

سؤال:

پاسخ: نه ایشان می گویند که خیلی قابل اعتماد نیست و معلوم نیست که این کتاب نسخه ای از مسائل علی بن جعفر باشد با توجه به اختلاف زیادی که بین نقلیات این کتاب و نقلیات سایر منابع

نقلیات سایر منابع از علی بن جعفر معتبر است. و آنها مشکلی ندارد ولی این کتاب علی بن جعفر روشن نیست. این است که از جهت سندی این گیر دارد. خب این هم این. روایت بعدی روایت معروف زراره است که در تهذیب با این سند وارد شده است

حسین بن سعید عن حماد عن حریض عن زراره

قال قلت له أصاب ثوبي دم رعاف أو غيره‏ أو شي‏ء من المني‏

تا آخر روایت. این روایت یک بحث خب سندش بحثی در سندش نیست. اضمار روایت است. یک بحثی کلی دارد که آیا مضمرات حجت هست یا نیست که ما آنها را حجت می دانیم. ولی خصوص این روایت یک ویژگی خاص دارد آن این است که همین روایت در علل الشرایع هم وارد شده است در علل الشرایع دیگر مضمر نیست آنجا نام امام علیه السلام در آن ذکر شده است. ولی یک نکته ای هست که متأسفانه در کتب حدیثی ما حتی جامع احادیث که سعی کرده است که اختلاف نسخه ها را ذکر کند اختلاف نسخه غیر کتب اربعه را ذکر نمی کند. فقط آدرس می دهد و کتب اربعه اش را بنایش این است که کامل ذکر کند. ولی در مورد غیر کتب اربعه اصلا چیز نمی کند. حالا آن کتب اربعه اش را تعهد کرده است به تعهدش عمل نکرده است غیر کتب اربعه که اصلا تعهد هم نکرده است از اول همچین بنایی را نگذاشته است و متاسفانه به دلیل عدم مراجعه به آن نقل دیگر خیلی وقت ها اکتفا شده است به این نقل بعضی بحث ها از این روایت استفاده شده است که هیچ جا ندارد. مثلا یک بحثی هست در اصول که آیا کسی که علم ندارد ولی با یک فحص کوتاه می تواند علم برایش حاصل شود این فحص برایش لازم است یا لازم نیست. بعضی ها گفته اند که ادله عدم لزوم فحص نسبت به این مورد انصراف دارد رفع ما لا یعلمون در صورتی که قوه قریب به فعل هست آنها انصراف دارد و با انصرافات بعضی ها خواسته اند لزوم فحص را در این جور موارد نتیجه بگیرند. بعضی ها در مقام جواب گفته اند از روایت زراره استفاده می شود که حتی این فحص های مختصر هم لازم نیست چون در این روایت این است که می گوید که

فَهَلْ عَلَيَّ إِنْ شَكَكْتُ فِي أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْ‌ءٌ أَنْ أَنْظُرَ فِيهِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّكَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تُذْهِبَ الشَّكَّ الَّذِي وَقَعَ فِي نَفْسِكَ

می گوید که لازم است که نگاه کنم یا لازم نیست. این یک بحث هایی دارد که آیا مجرد نگاه کردن را نظر به آن می گویند یا نظر یک نگاه عمیق و وارسی هست و فحص و امثال اینها ولی حالا من روی آن بحث هایش کار ندارم که مراد از نظر چیست ولی پاسخ روشن تر از این بحث این است که این روایت در نقل علل یک اضافه ای دارد. در نقل علل این گونه است. سند روایت این است

ابی رحمه الله قال حدثنا علی بن ابراهیم عن أبیه عن حماد عن عریض عن زراره قال قلت لأبی جعفر علیه السلام که به اصطلاح با توجه به اینکه ما ابراهیم بن هاشم را صحیحه می دانیم این سند هم صحیحه است

قلت لأبی جعفر علیه السلام

أصاب‏ ثوبي‏ دم‏ رعاف أو غيره أو شي‏ء من منيّ،

تا آخر بعد این تکه اش این است

فهل علیّ ان شککت فی انه اصابه شیءٌ ان انظر فیه، فعقلّبه

زیر و رویش کنم. اصلا سؤال این است که وظیفه دارم که زیر و رو کنم بالا پایین کنم وارسی کامل کنم می گوید نه لازم نیست. ربطی به آن بحث ندارد این کلمه عقلبه که انظر هم اگر ما بگوییم مراد وارسی کامل نیست عقلّبه دیگر معنایش این است که زیر و رو کنم. می گوید که زیر و رو لازم نیست. اما حالا نگاه کنم می بینم که اینجا خورد یا نه آیا این هم لازم نیست این دیگر از روایت استفاده نمی شود.

خب این است که حالا سند روایت سندی هست که بنا بر هر دو نقلش به نظر ما درست است حالا نقل که

سؤال:

پاسخ: نه نه

نه ابی جعفر که تفسیر نمی کنند که. حالا ابی عبد الله بگویید

حالا ابی جعفر که دیگر هیچ وقت تفسیر نمی کنند.

سؤال:

پاسخ: نه سؤال در مورد فحص زیاد بوده است. می گوید که وارسی زیاد نیست. آنها می خواهند بگویند که اصلا فحص کم را اطلاقات منصرف است. انصراف دارد اصلا خود عرف می فهمد یعنی کسی که یک همچین ادعایی دارد با این که نمی شود آن را رد کرد.

سؤال:

پاسخ: بله حالا آن بحث طهارت و نجاست یک خصوصیتی دارد که ممکن است

آن بحث هایش است که در خصوص طهارت و نجاست اگر شارع مقدس فحص را لازم نکرده باشد از آن نمی شود جاهای دیگر

چون بحث طهارت و نجاست زمینه وسواس هست و امثال اینها ولی مسئله مثلا شک دارم که مال من به مقدار خمس رسیده است یا خیر اینها هیچ وقت وسواس طرف نمی شود چون بحث پول است

این نمی شود از ان حکم مسئله های مالی را که زمینه وسواس در آن فراهم

سؤال:

پاسخ: نه آنها می گویند اصلا عرف متعارف فحص اندک را فحص نمی داند. اطلاقاتی که گفته است رفع ما لا یعلمون منصرف است. یک موقعی است که آن کلام را کسی قبول ندارد می گوید رفع ما لا یعلمون اینها را می گیرد که خب هیچی. بحث این است که می خواهیم آن را رد کنیم.

سؤال:

پاسخ: رد نمی شود این روایت می گوید که فحص زیاد نمی خواهد آنها اصلا فحص نیست آنها.

سؤال:

پاسخ: می گوید اصلا عرف متعارف خودش لازم می داند. می گوید بحث این است آنها می گویند که عرف نسبت به بحص اندک را فحص نمی داند. به قول حاج شیخ که می گوید علمت در جیبت است. خب دست کن در جیبت علمت را در بیاور.

حالا این تکه ای که مورد بحث هست، این تکه است می گوید قلت فانّی قد علمت انّه قد اصابه و لم ادری عین هو فاغسله قال تغسل من ثوبک عن ناحیه التی تری انه قد اصابها. حتی تکون علی یقینٍ من طهارتک.

البته نسخه بدل طهارته در استبصار است که در نقل علل هم طهارته هست.

خب البته این یک ابتدائا گاهی اوقات کلمه تری انّه قد اصابه، تری گاهی اوقات در مواردی که انسان ظن دارد که اصابت کرده است و اینها به کار می رود ولی با توجه به ذیلی که هست حتی تکون علی یقینٍ من طهارتک یا طهارته، این عرض کنم خدمت شما تری هم به معنای این است که آن قسمتی را که می دانی در آن قسمت اصابت کرده است.

سؤال:

پاسخ: نه اینجا رؤیت که نیست. قد علمت انه قد اصابه و لم ادری عین هو

بله ولی اینجا مراد علم است. این تری همان قد علمت انّه قد اصاب است. غیر از اینکه سؤال

اصل تری یک معنای اعمی است ولی اینجا بحث

آره در بعضی از همان عبارتی که دیروز هم از اهل تسنن خواندم و یک تری و امثال اینها داشت بعضی هایشان گفته اند که ممکن است مراد از تری ظن باشد. طری گاهی اوقات در موارد ظن هم به کار می رود ولی اینجا هم سؤالی که وجود دارد هم حتی تکون علی یقینٍ من طهارتک معنایش این است که آن ناحیه ای که علم اجمالی دارید که در ان ناحیه اصابت کرده است نسبت به آن باید ناحیه ای که ظن دارید که آنجا اصابت کرده است و احتمال هم می دهید که جای دیگر اصابت کرده است آن کافی نیست باید کل آن ناحیه ای که می دانید در آن ناحیه است باید شسته شود. این حتی تکون علی یقینٍ من طهارتک، ممکن است خود همین قرینه بر تعمیم گرفته شود. یعنی در واقع ان بحثی که القای خصوصیت مطرح است اینجا بگوییم که نه، شارع مقدس می گوید که شما باید یقین به طهارت حاصل کنید. بدون یقین

سؤال:

پاسخ: حالا البته اینجا یک نکته ای که حالا بعد می گویم که در تمام این روایت ها یک مشکل واحد وجود دارد آن این است که ما اصل شارع مقدس گفته است که شما با لباس طاهر باید نماز بخوانید. اینکه نسبت به این لباس خاص که دستوری نداده است. اینکه من در لباس طاهر نماز می خوانم شک من در اینکه این لباس پاگ است یا نجس است شک در محصّل است. اگر شارع مقدس خودش حکم نکرده باشد که این لباس پاک است، حکم ظاهری به طهارت نکرده باشد، این کافی نیست برای اینکه من بتوانم، اینجا مجرای اصاله البرائه اصلا نیست. ولو شبهه بدویه است چون شک در محصل است شارع مقدس می گوید که شما در لباس پاک باید نماز بخوانید قبلا این موردش را صحبت کردیم من نمی د انم این لباس پاک است یا نجس است. چون امر به آن شیء خارجی تعلّق نگرفته است در یک لباس پاک باید نماز بخوانید شما نمی توانید برائت در ان مورد خاص اجرا کنید. ولی خاصیت اینها این است ادله ای که گفته است کلّ شیئٍ طاهر را زنده می کند. یعنی اگر این روایت نبود به این معنا ببینید اگر ما این جوری تعبیر کنم که

سؤال:

پاسخ: اگر این روایت نبود، این روایت دالّ بر این است که شما باید احراز طهارت کنید.

این روایت نبود ادله ای که گفته بود کل شیءٍ لک طاهر حتی تعرف انه نجس، با این فرض یا بعینه یا امثال اینها اطراف علم اجمالی را می گرفت.

این دیگر اثبات احراز نمی کند. این در واقع فایده اینها کنار زدن ظهور ادله اصاله الطهاره ای که در اطراف علم اجمالی هم ظهورش این است که شامل می شود خاصیتش این است که این که حالا باید دید که

سؤال:

پاسخ: خب باشد فرض این است که ما مخالفت قطعیه هم می گوییم اشکال ندارد. ما با این فرض داریم مشی می کنیم که حتی اصول عملیه در مخالفت قطعیه هم مانعی ندارد. کل شیءٍ لک طاهر حتی تعرف انّه نجس بعینه. الماء کلّه طاهر حتی تعرف انه نجس بعینه حالا یادم نیست

سؤال:

پاسخ: نه حالا آن یک بحث و یک زاویه دید دیگر است. این بحثی که به چیز می انجامد عرض کنم به علم تفصیلی می انجامد یک اشکال عامی است که در همه این روایت ها وجود دارد یک مشکل دیگری در این روایت ها وجود دارد آن این است که خود این روایت ها فی نفسه منافاتی با لزوم احتیاط ندارند. ولی از اینها استفاده می شود که اصاله الطهاره ای که ظاهر ادله کأنه اصاله الطهاره این است که در اطراف علم اجمالی هم اصاله الطهاره جاری است آنها جاری نمی شود و یعنی نحوه جمع بین این روایات و روایت اصاله الطهاره و اصاله الحل را باید در نظر گرفت. تأثیری که این روایت در نحوه فهم آن روایات هست مهم است که در موردش صحبت می کنم که چطوری باید ان را حمل کرد آن بعینه را باید چه کار کرد و چه کار نباید کرد آنها یک بحث هایی هست که بعدا در موردشان صحبت می کنیم.

سؤال:

پاسخ: یعنی این خودش فی نفسه مطابق قاعده است. یعنی این چیز جدیدی از آن استفاده نمی شود. این در واقع استفاده می شود که یعنی حتی ادله عام برائت هم داشتیم ادله عام برائت با این منافات ند اشت. ادله عام برائت اطراف این علم اجمالی را نمی گیرد. چون اطرافش حکم ما به اینها تعلق نگرفته است.

از ظهور ادله عام برائت نه. ادله خاصی که بعینه دارد نمی دانم در مورد فرض کنید موارد علم اجمالی آن ادله ای که موارد علم اجمالی شبهات موضوعیه را هم شامل می شود که همین جور هم هست اصلا آنها عمدتا در مورد شبهات موضوعیه است. آن روایاتی که

درواقع این چیز آنها است. آخه یک موقعی ما این ادله را می خواهیم نسبت به ادله

ما یک موقعی ممکن است بگوییم که ادله برائت اطراف علم اجمالی را هم شامل می شود. ادله برائت اطراف علم اجمالی ای که هر دو طرفش متعلق تکلیف باشند را شامل می شود نه جایی که طرفینش متعلّق حکم نیستند. متعلّق حکم یک عنوانی است شک ما در محصّلش است. بنابراین ما در واقع به وسیله این روایت ادله عام برائت را نمی خواهیم دستکاری کنیم. ما به وسیله این روایت ادله خاصه ای که در خصوص اطراف علم اجمالی شبهه موضوعیه حکم به جریان اصول عملیه کرده است ان را می خواهیم زمین بزنیم.

یا ادله طهارت. حالا طهارت اگر داشته باشیم الآن یادم رفته است که بعینه در مورد طهارت داریم یا خیر.

سؤال:

پاسخ: بله درست است این چن کل شیءٍ طاهر مفروض این لازم نیست متعلّق حکم باشد. خودش می خواهد یک طهارت ظاهریه جعل کند. معنای این این است که در اطراف علم اجمالی طهارت ظاهریه جعل نشده است. یعنی ادله اصاله الطهارت را باید یکی سنجید و یکی ادله عرض کنم حالا اینکه اشکالی که دارم مطرح می کنم فقط در مورد این نیست. شاید مثلا کل شیءٍ

کل شیءٍ لک حلال را باید دید که آن حلال مراد چیست از حلال. کل شیء لک حلال آیا فقط مال مأکولات است یا هر چیزی شما می توانید از آن استفاده مناسب را ببرید. این پیراهن برای شما حلال است یعنی می توانید با آن نماز بخوانید.

سؤال:

پاسخ: بله آن امثال اینها خب اگر این معنای عام باشد آن ادله هم در واقع به یک معنا از آن جواز صلوه در اطراف علم اجمالی هم ذاتا استفاده می شد این می گوید نه. بنابراین در واقع این روایت را ما با اصاله الطهاره و ادله اصاله الحلّ. اصاله الحلی که بعینه در آن به خصوص آمده است. یعنی آن که ما در مورد بعینه نبود اینکه ظهور داشته باشد اطراف علم اجمالی را بگیرد خیلی روشن نبود. اطلاق هم داشتهب اشد این ادله رادعش است.

سؤال:

پاسخ: که بحث من این است که یک موقعی ما می گوییم که رفع ما لا یعلمون اینکه ذاتا شامل اطراف عم اجمالی می شود

این رادع ان نمی شود همین را می خواهم بگویم. این نسبت به رفع ما لا یعلمون نباید بسنجید. به دلیل اینکه رفع ما لا یعلمون در جایی هست که خود ان ما لا یعلمون متعلق تکلیف باشد. نه اینکه محصّل تکلیف باشد.

این روایت رادع رفع ما لا یعلمون نیست. رادع آن چیزی هست که در موارد شک در محصل هم جاری است. یعنی باید کل شیءٍ لک حلال و امثال اینها در مواردی که شک در محصل

فرض کنید آن روایتی که خصوص طهارت را دارد اثبات می کند آن خب اگر اطراف علم اجمالی را شامل شود این می آید می گوید که اطراف علم اجمالی شارع طهارت جعل نکرده است. خب این رادع آن است با او منافات دارد ولی با آن ادله ای که گفته است رفع ما لا یعلمون با آن اصلا منافات ندارد. رفع ما لا یعلمون می گویدکه تلکیفی را که شما نمی دانید از گردن شما برداشته شده است. شما اینجا می دانید که شارع مقدس گفته است طهارت لباس صلوه فی طهارهٍ را باید انجام دهید. شک شما در موضوع حکم تکلیفی نیست. شارع مقدس نسبت به این جزئیات حکم نبرده است. اینها محصّل آن تکلیف هستند. بنابراین اگر این روایت را ما در نظر بگیریم با رفع ما لا یعلمون اینها اصلا با هم منافات ندارند. این روایت می گوید که در اطراف علم اجمالی شما باید یقین حاصل کنید. در این مورد نسبت به طهارت و نجاست حتی در اطراف علم اجمالی یین هم شبهه بدویه هم باشد شما باید یقین حاصل کنید. چرا در شبهه بدویه شما می گویید یقین لازم نیست نه به خاطر رفع ما لا یعلمون به خاطر طهارت ظاهریه ای که ادله طهارت جعل کرده است. بنابراین در شبهه بدویه طهارت ظاهریه هست که حکم می کند خب شارع گفته بود در لباس طاهر باید نماز بخوانید ادله ای که حکم می کند به طهارت می گوید که آن طهارتی که شرط صلوه است اعم از طهارت ظاهریه و واقعیه است. پس بنابراین آن چیزی که این وسط مهم است اصاله الطهاره است و اصاله الحل هایی که در این جور شک در محصل ها هم جاری شود یعنی باید این جور چیزها را در نظر گرفت. چون فرض کنید که ان می گوید که لباسی هست که شما می خواهید با این لباس نماز بخوانید و چیز مثلا می گوید الثوب یکون علیک شاید سرقت باشد. شارع مقدس گفته است که در لباس خودتان باید نماز بخوانید. آنجا که لباس لباس من هست یا لباس من نیست

حالا آن بحث هایی دارد نمی خواهم وارد ان بحث شوم که اصلا مفاد چون روایت مسعده بن صدقه یک بحث جدی مفادی د ارد که اصلا مفادش چیست و آن روایت چه چیزی را می خواهد اثبات کند و آنها بماند.

سؤال:

پاسخ: ممکن است توهم شود که این روایت ها در مورد همه این روایت هایی که این چنینی است

رفع ما لا یعلمون دالّ بر عدم لزوم احتیاط در شک در محصل نیست. قطعا اصلا شامل اینجا نیست که ما بحث کنیم. یعنی در این موردی که گفته است باید احتیاط کنیم رفع ما لا یعلمون هم می گوید که باید احتیاط کنیم. یعنی با احتیاط کردن منافات ندارد.

با این منافات ندارد. یعنی توهم

آره می خواهم بگویم که بحث این جور نیست که از رفع ما لا یعلمون لزوم احتیاط در این جور موارد در بیاید. عدم لزوم احتیاط در بیاید که این روایت نفیش کند.

سؤال:

پاسخ: ادله برائت شرعیه را نمی خواهیم تخصیص بزنیم. اصاله الحل را بخواهیم تخصیص بزنیم. اصاله الحلی که در موارد شک در محصل جاری می شود. اصاله الطهاره ای که در این جور موارد جاری می شود. یعنی باید در نظر بگیریم که آن روایت هایی که اصل عملی را جاری می کند موارد شک در محصّل می خواهد یک حکم ظاهری جعل کند یا مواردی که شک در اصل تکلیف است؟ این بحث من این است که این روایت ها را وقتی می خواهیم سبک سنگین کنیم باید ببینیم با چه چیزی می خواهیم اینها را مقایسه کنیم. این کلیت این بحث هست.

خب این هم این روایت. یک روایت دیگری اینجا وجود دارد که از همه این روایت ها از یک جهت بهتر است آن این است که آن شبهه ای که ما مطرح می کردیم که اینجا یک لباس واحد است در یک لباس واحد می خواهد نماز بخوند آن شبهه در آن نیست و به یک معنا ممکن است بگوییم که شک در محصل هم نیست حالا تویضح می دهم. رقم 1619 را الآن وقت گذشته است فقط من روایتش را می خوانم توضیحش باشد فردا.

سعد عن علی بن اسماعیل عن صفوان بن یحیی عن ابی الحسن علیه السلام قال کتبت الیه اسئله عن رجلٍ کان معه ثوبان فاصاب احدهما بولٌ و لم یدری ایّهما هو و حذره الصلوه و خاف فوتها و لیس عنده ماءٌ کیف یصنع؟ قال یصلی فیهما جمیعا.

در روایت های دیگر مفروض این نیست که مندوحه ندارد. خب می تواند در این ها نماز نخواند برود در چیز دیگر نماز بخواند. بحث اینجا مندوحه هم ندارد. وقت تنگ است بنابراین نمی تواند برود یک لباس دیگر تهیه کند و دو لباس هم بیشتر ندارد و آب هم ندارد که اینها را بخواهد بشورد

می گوید در هر دو باید نماز بخواند. این روایت از همه روایت هایی که مورد بحث ما هست بهتر است و این را حالا هم سندا و هم متنا شنبه توضیح خواهم داد

سؤال:

پاسخ: یعنی استدلالش القای خصوصیتی که از این می شود کرد در یک دایره وسیع تری می شود القای خصوصیت کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد